



کوله کماندوها پر بود از مدرن ترین تجهیزات نظامی



کماندوها ساعاتی قبل از عملیات در مراسم عشا ربانی برای پیروزی دعای می کنند



نیروهای دلنا آن قدر تمرین کرده بودند که ذره‌ای به پیروزی خودشان شک نداشتند

مروری بر طرح عملیات «پنجه عقاب» آمریکا  
به بهانه نجات گروگان‌ها

## طرح دلتا فورس

در چهار ماهه منتهی به اردیبهشت ماه ۵۹ و زمان اجرای عملیات، جزئیات طرح بارها و بارها بررسی و روز به روز دقیق‌تر و کامل‌تر شد. شکست عملیات در کویر طیس و لزوم توضیح و توجیه ماجرا از طرف آمریکایی‌ها موجب شد بخش مربوط به عملیات نجات گروگان‌ها که با کشتار دانشجویان و رهایی گروگان‌ها تأمین می‌شد، فاش گردد. طی روزها و ماه‌های پس از واقعه دولت‌مردان و برخی چهره‌های نظامی یا سیاسی وقت هم جزئیات بیشتری از ماجرا را بازگو کردند. اما مراحل و اهداف دیگر طرح تا امروز ناگفته باقی مانده است. آنچه می‌خوانید طرح نهایی شده عملیات نجات گروگان‌هاست که اجرای آن در ۲۷ فروردین ماه ۱۳۵۹ به امضای جیمی کارتر رئیس‌جمهور آمریکا رسید.

ژوئیه ۱۹۸۰، تنها ۵۸ روز پس از تصرف سفارت آمریکا به دست دانشجویان

پیرو خط امام، جیمی کارتر بررسی و ارائه برخی عملیات نظامی برای آزادی گروگان‌ها و همچنین تنبیه ایران را به شورای امنیت ملی آمریکا سپرد. برژینسکی، براون، ماندیل و دیوید جونز از اعضای این شورا بودند و طی ۱۰ روز طرح‌های احتمالی را بررسی و طرح اولیه یک عملیات نظامی را به رئیس‌جمهور ارائه کردند. ۶ روز بعد در ۳ آذر ۵۸ کارتر طرح پیشنهادی را تصویب کرد تا پس از آمادگی نیروها و مهیاشدن شرایط سیاسی و تشکیلاتی لازم به اجرا درآید. از همین تاریخ نیروی ویژه دلتا، که از اواسط آذرماه در وضعیت آمادگی قرار داشت، مأمور انجام عملیات شد. دلتا در پایگاه فورت استوارت آریزونا و در محیطی که با تمام جزئیات سفارت آمریکا در تهران ساخته شده بود، به تمرین پرداخت و طی ۴ ماه کار مستمر و منظم شبانه‌روزی خود را آماده کرد. همه وسایل و امکانات پیشرفته آن روز در اختیار دلتا قرار گرفت تا با عملیاتی برق‌آسا و کوبنده، ضمن قتل عام دانشجویان و آزاد کردن گروگان‌های در بند، پایه‌های انقلاب را ویران کند.

قرار بود ۳ هواپیمای ام‌سی ۱۳۰ نیروها و سه هواپیمای ای‌سی ۱۳۰ سوخت لازم برای عملیات را از جزیره مصریه در ساحل عمان به کویر یک، جایی در صحرای طیس و در ۲۲۰ کیلومتری جنوب شرقی تهران منتقل کنند و آنجا منتظر فرود هشت‌هلی کوپتر آراچ ۵۳ سی استالیون شوند. هلی کوپترها پس از پرواز از عرشه ناو هواپیمابر نیمیتز، که در دریای عمان و

۳۰ کیلومتری ساحل ایران قرار گرفته، در دسته‌های دوتایی و از مسیرهای متفاوت، خود را به کویر یک می‌رسانند. زمان ورود آنها تقریباً دقیقاً پس از فرود آخرین هواپیمای است. ۸ هلی کوپتر سی استالیون به محض فرود، سسوخنگیری کرده و پس از سوار کردن نیروهای یورش ۱۲۰ نفری به طرف کویر شماره دو پرواز می‌کنند. هواپیمای سی ۱۳۰ به مسیر باز می‌گردند.

هلی کوپترها پس از دو ساعت و نیم تا سه ساعت پرواز، ساعتی پیش از طلوع آفتاب، جایی نزدیک گرمسار فرود می‌آیند و پس از پیاده کردن نیروها در محل، به طرف تپه‌های اطراف گرمسار پرواز و در فاصله ۲۵ کیلومتری نیروهای دلتا خود را استتار می‌کنند.

تیم یورش بادو مأمور وزارت دفاع، که چند روز پیش از عملیات وارد تهران شده‌اند دیدار می‌کنند. آنها سرهنگ بک‌ویث و مردان او را ۵۸ مایل، یعنی تقریباً ۹۰ کیلومتر آن طرف‌تر، جایی در صد کیلومتری جنوب شرقی تهران می‌برند و دلتا تمام ساعات روز را آنجا پنهان می‌شود. پس از غروب آفتاب دو مأمور وزارت دفاع با یک وانت دانسون و یک فولکس واگن به آنجا برگشته و شش راننده و شش مترجمی را که با دلتا آمده‌اند، به انباری نزدیک تهران می‌برد. آنجا کامیون بنز برای حرکت آماده شده است.

وسایله نقلیه دیگری سرهنگ بک‌ویث را برای شناسایی مسیر از محل اختفای سفارت می‌برد. بک‌ویث پس از بررسی مسیر و محوطه سفارت باز

تیم یورش بادو مأمور وزارت دفاع، که چند روز پیش از عملیات وارد تهران شده‌بودند سرع سرهنگ بک‌ویث و مردانش می‌روند و آنها را به صد کیلومتری جنوب شرقی تهران می‌برند و دلتا تمام ساعات روز را آنجا پنهان می‌شود.



ناونیمیتز در دریای عمان لنگر انداخته بود و وظیفه پشتیبانی عملیات را به عهده داشت



هواپیماهای غول پیکر آمریکایی جیب‌هاو موتورسیکلت‌ها را حمل می‌کردند



داخل این هلی کوپترها تجهیزات و نفرات کافی برای یک عملیات موفق وجود داشت.



خواندنی‌های طرح عملیات

## گروه دلتا در ایران

• ایده تشکیل دلتا را باید از چارلی بک‌ویث دانست. هنگامی که ۳۱ سال بیشتر نداشت و برای گذراندن دوره آموزشی ویژه در خرداد ۱۳۴۱ به تیپ ویژه هوا برود در انگلیس رفته بود. فکر اولیه را از کتاب «شکست در پیروزی» از «ویلیام جی اسلیم» گرفت؛ تشکیل گروهی ویژه از تکاوران که بتوانند هر مأموریتی را به انجام برسانند. طرحش را نوشت و اینجا و آنجا مطرح کرد. ۳ سال بعد با اجرای بخشی از آن موافقت کردند. در جنگ ویتنام فرمانده گروه فوق سری «پروژه دلتا» شد و مأموریت‌های دشواری را با موفقیت به انجام رساند. پس از آن با هدف واکنش سخت و سریع برابر اقدامات تروریستی، گروه «نور آبی» را تشکیل داد؛ مشتی وحشی آدمخوار که توانایی استفاده از هر سلاحی را داشتند.

اما ۱۵ سال گذشت تا بخت، آنچنان که او می‌خواست، رونشان دهد. ژوئن ۱۳۵۶ بود که نیروی ویژه دلتا سامان گرفت. گروهی از رنج‌های به توان دو که سازمان سیاه‌زین‌ها را سنگین آموزش و نگهداری‌شان را می‌پرداخت.

در آبان ۱۳۵۸ وقتی مأموریت نجات گروگان‌ها به او و گروهش ابلاغ شد، یک سال و نیم از تشکیل دلتا و تمرین‌های فشرده و پرهزینه او می‌گذشت. فرصت خوبی برای بک‌ویث فراهم شده بود تا به همه نشان دهد رنج‌های دلتا به چه دردی می‌خورند و چه کارها بلدند.

• هنگامی که دلتا هنوز در مصر بود، یک اتفاق ساده تغییراتی در طرح عملیات ایجاد کرد. محمد یوسف، آشپز پاکستانی سفارت که به میل خود آنجا مانده و در ازای دریافت حقوق برای گروگان‌ها غذا درست می‌کرد، خواست به کشورش برگردد. او از محل استقرار نگهبان‌ها و گروگان‌ها خبر داشت. وی پس از نشستن در هواپیمایی که از ایران به ترکیه می‌رفت، متوجه حضور اتفاقی افسر سیا در صندلی کناری خود شد. یوسف اطلاعاتش را از محل نگهداری دانشجویان در اختیار او گذاشت.

بک‌ویث، فرمانده عملیات پس از مشورت با فرماندهان سه واحد سرخ، سفید و آبی تغییراتی در حمله داد و طرح حمله را که ابتدا همه ۲۰ ساختمان کوچک و بزرگ سفارت را در بر می‌گرفت به چهار ساختمان محدود کرد و حمله را بیشتر بر ساختمان اداری سفارت متمرکز کرد. جایی که به گفته یوسف، ۵۳ گروگان آمریکایی را آنجا نگهداری می‌کردند.

قرمز و به دنبال آن گروه آبی از شکافی که در دیوار ایجاد شده، عقب‌نشینی می‌کنند و با عبور از عرض خیابان مفتوح به استادیوم می‌روند. آنجا همراه افراد گروه سفید سوار هلی کوپترهای باقی‌مانده می‌شوند. هنگام یورش به سفارت، تیم سیزده نفره نیروهای ویژه که وظیفه‌اش یورش به ساختمان وزارت خارجه است نیز عملیات خود را شروع می‌کند. طرح آنها بررسی بیرون ساختمان و ورود از پنجره‌های طبقه سوم است. آنها هر مقاومتی را در هم می‌کوبند و سه گروگان را آزاد می‌کنند. در فضای باز کنار ساختمان که مشابه یک پارک است، یکی از هلی کوپترها آنها را سوار می‌کند.

در حالی که عملیات در تهران ادامه دارد و اهداف یکی پس از دیگری به تصرف در می‌آیند، پنجاه و پنج کیلومتری جنوب تهران، در منظره، یک واحد رنج با هواپیما حمله می‌کند و پس از تصرف فرودگاه آنجا، امنیت آن را تأمین می‌کند. آنها تا هنگام خروج هلی کوپترها از تهران آنجا را در اختیار می‌گیرند. با حرکت هلی کوپتر حامل گروگان‌ها و دلتا، هلی کوپتری که بر فراز سفارت در پرواز بود شروع به انهدام ساختمان‌های سفارت می‌کند.

پس از رسیدن همه به منظره تمام گروگان‌ها، راننده‌ها، مترجمان، خلبانان هلی کوپتر، خدمه، مأموران وزارت دفاع، تیم یورش نیروهای هوایی مخصوص و دلتا، با هواپیماهای سی ۱۴۱ ایران را ترک می‌کنند. رنج‌ها هم پس از نابود کردن منظره به خارج ایران پرواز می‌کنند. یک طرح ضمیمه در صورتی که هلی کوپترها به هر علت نتوانند گروگان‌ها و نیروهای ضدشورش را همزمان از تهران بیرون ببرند، عملیات را با ایجاد یک موضع دفاعی پیرامون استادیوم پشتیبانی می‌کند. بنابراین هلی کوپترهای باقی‌مانده بین منظره و تهران رفت و آمد می‌کنند تا سرانجام همه را از منطقه عملیات بیرون ببرند. بدیهی است هلی کوپترها پس از پیاده کردن گروگان‌ها و برای بازگشت به استادیوم باید سوختگیری کنند و در صورتی که هیچ هلی کوپتری قادر به بازگشت نباشد، دلتا برای دستگیر نشدن باید خود را آماده فرار کند.

است. یک مسلسل ام ۶۰ برای کنترل عرض خیابان مفتوح به سمت شمال و یک مسلسل اچ ۲۱ برای تحت پوشش قرار دادن این خیابان رو به جنوب قرار می‌گیرد.

دو هلی کوپتر توپدار که بر فراز تهران پرواز می‌کنند، پوشش امنیتی لازم را برای اجرای عملیات فراهم می‌کنند. هلی کوپتر اول به سمت فرودگاه مهرآباد می‌رود تا دو جنگنده فانتوم ایرانی را که در باند در حال آماده‌باشند مهار کند و هلی کوپتر دوم نیز از نزدیک شدن نیروهای کمکی ایرانی به سمت سفارت جلوگیری می‌کند. سرهنگ باکشات و استوار فورمن با استفاده از یک سیستم شبکه‌ای از پیش تعیین شده، که قادر است اهداف و نقاط ادر اطراف سفارت به دقت مشخص کند، در صورت لزوم مسئول فرآوانی و هدایت هلی کوپترها برای پوشش آتش هستند.

داخل سفارت پس از این که گروه قرمز به عمق محوطه نفوذ کرد دورترین مسافت را طی می‌کند و بیشترین منطقه را تحت پوشش قرار می‌دهد. دیوار سفارت با یک انفجار بزرگ منهدم می‌شود. این انفجار نشانه آغاز یورش به ساختمان هاست. نگهبانان دلتا هر نگهبان مسلح ایرانی را که ببینند می‌کشند و سپس گروگان‌ها را پیدا و آنها را آزاد می‌کنند. عملیات تا اینجای کار حدود چهل و پنج دقیقه طول می‌کشد. سپس سرگرد اسفافی (نام مستعار یکی از افسران هوایی دلتا) به هلی کوپترهای سی‌استالین که اطراف گرمسار در حال آماده‌باش اند، اطلاع می‌دهد. هلی کوپترها به پرواز در شمال شهر مشغول و با اشاره او به طرف سفارت می‌آیند و اگر آن گونه که انتظار می‌رود، تیرک‌های کار گذاشته شده در محوطه باز سفارت را بشود برداشت، اولین هلی کوپتر داخل سفارت می‌شود و تمامی گروگان‌های آزاد شده را سوار می‌کند. دکنترهای دلتا داخل هلی کوپترها گروگان‌ها را معاینه می‌کنند. احتمال نشستن هلی کوپتر دوم نیز هست.

در صورتی که نشستن هلی کوپتر هادر سفارت ممکن نباشد. طرح دیگر، یعنی بردن هلی کوپترها به استادیوم فوتسال اجرا می‌شود. پس از این که تمام گروگان‌های آزاد شده به وسیله هلی کوپتر از محوطه دور شدند، گروه

می‌گردد. در این بین شش کامیون بنز که به محل اختفای نیروها آمده‌اند، افراد دلتا را که برای این مأموریت در گروه‌های قرمز، سفید و آبی سازمان یافته‌اند، سوار می‌کنند. کامیون‌ها حدود ساعت هشت و نیم شب از جاده دماوند به سمت شمال حرکت می‌کنند. پاسگاه دائمی مستقر در ایوانکی و شریف‌آباد، که با دو مأمور اتومبیل‌های عبوری را کنترل می‌کند، در مسیر است. اگر هنگام عبور، کامیون‌ها را برای بازرسی و تفتیش متوقف کردند، دلتا هر دو را دستگیر و همراه خود می‌برد.

یک تیم یورش سیزده نفره، که وظیفه‌اش نجات سه گروگانی است که در ساختمان وزارت خارجه نگهداری می‌شوند، با یک اتومبیل فولکس واگن استیشن در مسیری متفاوت به سوی هدف خود حرکت می‌کنند.

بین ساعت ۲۳ و ۲۴ شب یک گروه مسلح سوار بر یک وانت دانسون و با استفاده از اسلحه‌های کم‌ری مجهز به صداخفه‌کن پس از تصرف دو پست نگهبانی، نیروهایی را که در طول خیابان روزولت (شهید مفتوح) نگهبانی می‌دهند، دستگیر و از سر راه بر می‌دارند.

با فاصله کمی از آنها، کامیون‌های حامل عناصر قرمز، سفید و آبی در حالی که پهلو به پهلو حرکت می‌کنند سر می‌رسند و وقتی به موضع خود در خیابان مفتوح می‌رسند، نیروها کامیون‌ها را ترک می‌کنند و با استفاده از نزدبان‌ها، به سرعت و بی‌سروصدا از دیوار بالا می‌روند و به محوطه سفارت وارد می‌شوند. گروه چهل نفری قرمزها مسئول تأمین امنیت بخش غربی محوطه، آزاد کردن هر گروگانی که در محل سکونت کارمندان و محل سکونت معاون سفیر است و کشتن نگهبانان مستقر در پارک موتوروی مرکز برق است.

گروه چهل نفره آبی مسئولیت بخش شرقی سفارت و آزاد کردن گروگان‌هایی را که در محل سکونت قائم‌مقام سفارت، محل اقامت سفیر، انبار و دفتر سفیر هستند، عهده دار است.

گروه سفید نیز با سیزده نفر مسئول تأمین خیابان مفتوح و در پوشش قرار دادن عناصر قرمز و آبی هنگام عقب‌نشینی به استادیوم امجدیه (شیرودی)

هنگام یورش به سفارت، تیم سیزده نفره نیروهای ویژه که وظیفه‌اش یورش به ساختمان وزارت خارجه است نیز عملیات خود را شروع می‌کند. طرح آنها بررسی بیرون ساختمان و ورود از پنجره‌های طبقه سوم است. آنها هر مقاومتی را در هم می‌کوبند و سه گروگان را آزاد می‌کنند.